



سازمانهای اسلامی
آستان قدس‌گویی



م
بزرگشته بضرت
لور

چاپ پنجم

جواد حسنه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

توبه

بازگشت به فطرت



جواد محدثی

محمدی، جواد، ۱۳۳۹ -

توبه: بازگشت به فطرت / جواد محمدی. — مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲. ۴۲ ص.

ISBN 964-444-794-8

فهرستنامه براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. توبه (اسلام). الف. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ب. عنوان. ج. عنوان: بازگشت به فطرت.

۲۹۷/۴۶۴

۲۲۵/۷/۲۲

م ۸۳ - ۲۹۹۲۹

کتابخانه ملی ایران



توبه

بازگشت به فطرت

جواد محمدی

چاپ پنجم: ۱۳۸۳ / ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

مراکز پخش

بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تلفن و دورنگار (مشهد) ۰۳۸۰۸۰۳۰۲۲۳

صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

شرکت به نشر، (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۰۵۱۰۵۵۶

Web Site: www.islamic-rf.org

E-mail: info@islamic-rf.org

حق چاپ محفوظ است.



فهرست مطالب

٦	سخن ناشر
٨	سرآغاز
١٠	بازگشت به فطرت
١٢	توبه، پنجره‌ای رو به رحمت
١٦	حقیقت توبه
١٩	توبه و جبران
٢٢	آثار گناه، آثار توبه
٢٦	چرا تأخیر؟
٢٩	توبه از چه؟
٣٢	موائع توبه
٣٧	راهی آسان‌تر از توبه
٣٩	راههای دیگر آمرزش گناه
٤١	می‌توان خوب بود!

سخن ناشر

نهج البلاغه را بی تردید می توان به دریایی پر گوهر شبیه کرد که هر چه بیشتر در آن غواصی شود، درسها و حکمتها زندگی ساز و پر بهای بیشتری به دست می آید. بی جهت نیست که دانشمندان بسیاری در طول چهارده قرن، در بی درس آموزی از مکتب علوی و کسب معرفت از کلام امیر المؤمنین علی^ع بوده اند و در شرح سخنان پر ارج او کتابها نوشته اند.

سخنان حضرت علی^ع، هم در زمینه مباحث نظری و عقلی بسیار ارزنده و راهنماست، هم در قلمرو مسائل عینی و زندگی انسانی و موضوعات کاربردی و عملی کارگشاست و این ابعاد متنوع کلام آن حضرت، نشأت گرفته از روح بلند و شخصیت بی نظیر و چند بُعدی آن پیشوای بزرگ است که رسول خدا علی^ع درباره وی فرمود:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيْهِ بَايْهَا»^۱.

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امر و خداوند نهی
که من شهر علم علیم در است درست این سخن قول پیغمبر است^۲
و چنان که خود امیر المؤمنین علی^ع فرمود:

۱- المستدرک على الصحيحين ۳/۱۳۷.

۲- شاهنامه فردوسی، براساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان ۱۸/۱ و ۱۹.

«عَلَمْنِي رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَ بَابٌ كُلُّ بَابٍ فَتَحَ الْفَ بَابٍ».^۱

رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - به من هزار باب [علم] آموخت، که هر باب آن هزار باب گشود.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، به عنوان گامی هر چند کوچک در راستای تکلیف بزرگ «شناساندن کلام و شخصیت علی علیہ السلام»، تصمیم بر عرضه درس‌های زندگی ساز از معارف همیشه زنده و الهام بخش نهج البلاغه گرفته است، با این باور که کلام نورانی امیر سخن حضرت علی علیہ السلام، در حد بالایی الگوی رفتاری، معاشرتی و معیشتی هر مسلمان، به ویژه نسل جوان است. از این‌رو عرضه و انتشار این سلسله درسها با قلمی روان و خلاصه، می‌تواند چراغ راه و فروغ زندگی باشد.

از حجج اسلام آقایان محمد جواد نظافت و جواد محدثی که در «پژوهش» و «نگارش» این سلسله درسها همت گماشته‌اند، صمیمانه تقدیر می‌شود. باشد که این گام و اقدام، زمینه هر چه بیشتر آشنا شدن نسل جوان امروز را با معارف اهل بیت علیہ السلام و کتاب جاویدانه نهج البلاغه فراهم آورد.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس‌ضوی

سرآغاز

انسانِ بریده از خدا، مثل آن «نی» است که مولوی از نالیدنش می‌گوید و شرح درد اشتیاقی او به پیوستن دوباره به نیستان، و ناله‌هایش، همه ترسیم پرسوزی از جدایی است و «از جداییها شکایت می‌کند.»

اگر طاعت و بندگی، انسان را به خدا وصل می‌کند، عصیان و گناه هم این رشته را می‌گسلد و آدمی را از حريم رحمت گسترده پروردگار دور می‌سازد و سرانجام، او را دوزخی می‌کند.

ولی... این همه سخن نیست. باز هم می‌شود رشته عبودیت ما به ریوبیت پروردگار وصل گردد و این نی به نیستان بازگردد. راه آن «توبه» است.

توبه، دریچه‌ای است باز، فراسوی درهای بسته، روزنه‌امیدی است در انتهای کوچه یأس و ناامیدی. وقتی سر انسان به سنگ جهالت و غفلت می‌خورد و در «دام گناه» و «تور شیطان» می‌افتد و از آدمیت دور می‌شود و چهره حیوانی می‌یابد و دلش سیاه و زندگی اش آلوده و خودش ملعوبة هوس می‌شود، گاهی احساس می‌کند میان آنچه هست و آنچه باید باشد، درهای عمیق و فاصله‌ای بسیار قرار دارد، از خود و

خالق خود شرمنده می‌شود و فکر می‌کند به آخر خط رسیده و راهی برای بازگشت نیست.

اما چنین نیست. راه توبه باز است و خداوند دعوتنامه فرستاده و از عاصیان پشیمان خواسته که برگردند. مهم، دریافت این نداست و هشیار بودن. گاهی هم خود خدا زمینه این هشیاری و بیداری را فراهم می‌آورد.

شرمنده کرده است مرا تیره کاری ام یا رب ببخش بر من و بر آه و زاری ام ترسم که خواب غفلتم آخر کند هلاک بیدار کن ز خواب و بدہ هوشیاری ام^۱ باری... در ادامه تلاش برای آشنایی با معارف نهج البلاغه و جر عهنوشی از حکمت‌های علوی، پای رهنمودهای امیرالمؤمنین علیه السلام می‌نشینیم و با موضوع «توبه» به نهج البلاغه می‌نگریم. آنچه در این نوشته می‌خوانید، گلچینی است از بوستان معطر سخنان حضرت علی علیه السلام. برای روانتر شدن این نوشته، تبیین و شرح گویایی از جملات نورانی آن حضرت با نثری که بتواند به سادگی حکمت‌های بلند و ژرف نهج البلاغه را برای مخاطبان جوان و دلهای پاک و مستعد، بیان کند، قراهم آمده است.

شماره خطبه، نامه و حکمتی که در پاورقی آمده، بر اساس نهج البلاغه صبحی صالح است. امید است که این اثر، ما را با رهنمودهای روشنگر پیشوایمان امام علی علیه السلام آشناتر سازد و توفیق «توبه» را برای ما فراهم آورد.

جواد محدثی

پاییز ۱۳۸۳

۱ - از: حجۃ الاسلام بهجتی (شفق).

بازگشت به فطرت

جلوی ضرر را از هر کجا که بگیرند، سود است.
کسی که مسیر زندگی را بپراهم رفته و به جای عروج و کمال، پیوسته
رو به سقوط و تباہی گام برداشته و به جای «فلاح»، در مسیر
«خسران» افتاده است، در حال باختن زندگی است و هر لحظه که
متوجه این راه خطأ و بن بست شود و به مسیر نورانی و خدایی
«فطرت» برگردد، می‌تواند گذشته سیاه و تباہ را هم جبران کند.

توبه، دست یافتن به «خودآگاهی» انسانی است. توبه، یعنی
بازگشت از «عصیان» به «طاعت»، از «فجور» به «تفوا»، از «نسیان و
غفلت» به «ذکر و هشیاری»، از «سیئات» به «حسنات». چنین
بازگشتنی، هم آگاهی می‌طلبد، هم اراده، هم امداد الهی، هم تصمیم
جدی انسان، هم ناامید کردن شیطان از وسوسه مجدد برای گناه.
پس، توبه تنها اظهار زبانی نیست، بلکه نفرت قلبی از گناه و اراده
جدی بر ترک آن نیز باید باشد.

چون خطر گناه جدی است، پس توبه از گناه هم «واجب فوری»
است. اگر فرصت بگذرد و به «مرز بی برگشت» برسیم، از دست توبه

هم کاری ساخته نخواهد بود. آنگونه که در قرآن کریم نیز آمده است: «توبه برای آنان نیست که بدیها را انجام می‌دهند، تا آنکه چون یکی از آنان را مرگ فرا می‌رسد، گویند: هم اکنون توبه کردم!...».^۱

مرگ، ناگهان می‌رسد. کسی از زمان مرگ و چگونگی آن درباره خود خبر ندارد. از این رو پیش از غافلگیر شدن و از دست رفتن مجال، باید حساب را صاف کرد و از گناهان توبه نمود و امروز و فردا نکرد.

امام علی علیہ السلام در وصیت خود به فرزندش امام حسن علیہ السلام می‌فرماید: «بدان که تو شکار مرگی هستی که گریزنه را از آن رهایی نیست و مرگ، تو را حتماً درخواهد یافت، هشدار که تو را در حال گناه درنیابد، در حالی که با خود از توبه سخن می‌گفتی، اماً مرگ میان تو و توبه فاصله اندازد و خودت را هلاک کرده باشی!»^۲

اشک غمی بریز و ز جرم و خطأگریز
برخیز و بی ریا به درِ کبریا گریز
سرگشته تابه کی به بیابان در آفتاب؟ ای خسته دل، به سایه لطف خدا گریز
کنی پیکر ضعیف تو را تاب آتش است؟ بر خود ببخش و ز آتش قهر خدا گریز^۳
اگر به فطرت پاک والهی خویش برگردیم، راه رسیدن به خدا هموارتر
می‌شود.

۱ - نساء، ۱۸ / ۴ ﴿وَلَيَسْتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتَ قَالَ إِنِّي بُئْتُ الْآنَ...﴾.

۲ - نهج البلاغه، نامه ۳۱ «وَأَنَّكَ طَرِيدَ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبٌ...».

۳ - سرود سحر، حجۃ الاسلام بهجتی، ص ۹۱.

توبه، پنجره‌ای رو به رحمت

توبه، یک روزنَه امید است.

دریچه‌ای گشوده به رحمت الهی و نقیبی به جهان روشنایی و امیدواری است، تا انسان همه راهها را به روی خود بسته نبیند و خود را تباہ شده دوزخی و از دست رفتۀ مفلوک نپندارد و بیشتر در تباہی و بدی غرق نشود.

اگر خداوند قول داده است که توبه توابین را بپذیرد، این بزرگ‌ترین لطف او در حق بندگان و گشودن آن روزنَه رو به روشنایی است و اگر فرموده است:

﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾.^۱

«از رحمت خدا نامید نشوید، خداوند همه گناهان را می‌آمرزد.»
هم امیدواری می‌دهد و هم از نومیدی نکوهش می‌کند، چرا که بخشایش الهی بیش از گناه بندگان است و رحمت او پیش از غضب اوست.

حضرت علی علیله، مشفقاته رحمت و مهربانی خدارا که از جمله در توبه جلوه می‌کند به یاد انسان خطاکار می‌آورد و آغوش رحمت الهی

را چنین ترسیم می‌کند:

«به یادآور، آنگاه که تو از او روی گردن می‌شوی او به تو روی می‌آورد، تو را به عفو خویش فرا می‌خواند و در دریای احسانش غرق می‌کند، اما باز هم از او روی برمی‌گردانی و سراغ دیگری می‌روی، او چه بزرگوار و نیرومند است و تو چه ناتوان! چه چیزی تو را بر نافرمانی گستاخ می‌سازد؟ در حالی که پیوسته در سایه رحمت و حمایت او به سر می‌بری و او پرده‌پوشی می‌کند و تو از لطف او برخورداری و چشم برهم زدنی نگاه لطفش را از تو دریغ نمی‌کند و آبرویت را نمی‌برد! حال، اگر اطاعت‌ش کنی با تو چه مهربانی ولطفی خواهد داشت!...»^۱

انسان به امید زنده است و مسیر تکاملی را در زندگی با دو بال «بیم و امید» طی می‌کند. اگر از رحمت و مغفرت مأیوس گردد دست به همه جنایتها می‌زند. وقتی امید نجات و روزنه رهایی و رستگاری نباشد، از هیچ گناهی فروگذار نمی‌کند. این است رمز اینکه «یأس از رحمت الهی» از گناهان کبیره است.

باز آی، باز آی، هر آنچه هستی باز آی گر کافر و گبر و بت‌پرستی، باز آی این درگه ما درگه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی، باز آی اگر کسی بگوید: کار از کار گذشته و مرا راه بازگشت نیست، در باتلاق گناه بیشتر فرو می‌رود. خداوند، از روی مهر به بنده‌اش، اول او را دعوت به توبه می‌کند، به دل او می‌اندازد که برگردد، گاهی غمگینش می‌سازد که به فکر افتاد و از غفلت درآید، گاهی مبتلاش می‌سازد که رویکردش به خدا بیشتر شود و به خود آید، گاهی

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳ «وَتَمَثَّلَ فِي حَالٍ تَوَلَّكَ عَنْهُ إِقْبَالَهُ عَلَيْكَ، يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ وَيَسْعَمَدُكَ بِفَضْلِهِ وَأَنْتَ مُتَوَلٌ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ...».

مبتلایان و گرفتاران را سرراه او قرار می دهد تا تکان بخورد و برگردد. این زمینه سازیهای الهی برای توبه انسان، جلوه های دیگری از رحمت اوست، تا انسان از اسارت نفس و شیطان رها شود.

به تعبیر حضرت امیر علیه السلام:

«فَتَحَ لَكَ بَابَ الْمَتَابِ».^۱

خداآوند، در توبه و بازگشت را به رویت گشوده است.

آدم که در بهشت با وسوسه ابليس لغزید و از بهشت اخراج شد، خدای متعال هم راه توبه را به رویش گشود، هم کلمه توبه را به او آموخت و هم وعده بازگشت بهشت را به او داد.^۲

مگر می شود گنهکار، از صمیم دل و با نیت راستین و خالص به سوی خدا برگردد و خداوند در به رویش ببندد و او را نپذیرد؟

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنَزِّلُ بِهِمُ النَّعَمُ وَتَزُولُ عَنْهُمُ النَّعَمُ، فَزِعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِّنْ نِيَّاتِهِمْ وَوَلَهِ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلُّ شَارِدٍ وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلُّ فَاسِدٍ».^۳

اگر مردم، آنگاه که انتقام و عذاب الهی بر آنان فرود می آید و نعمتها از دستشان می رود، با نیتهای صادقانه و اشتیاق قلبی به درگاه پروردگارشان روی آورند، باز هم خداوند نعمتها از دست رفته را به آنان بر می گرداند و تباہی کارشان را اصلاح و ترمیم می کند.

آیا توبه بنده، زمینه سازگشایش پنجره ای رو به رحمت الهی نیست؟

۱ - نهج البلاغه، نامه ۳۱ (وصیت حضرت به امام حسن علیه السلام).

۲ - همان، خطبه ۱ «ثُمَّ يَسْطُطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ وَلَقَاءُ كَلِمَةِ رَحْمَتِهِ وَوَعْدَهُ الْمَرَدَ إِلَى جَنَّتِهِ...».

۳ - همان، خطبه ۱۷۸.

گناه، هر چند زیاد باشد، لطف و کرم خدا بیشتر است. رابطه با خدا را باید براساس وسعت کرم و گستردگی رحمت او برقرار ساخت. وقتی همه درها به روی انسان بسته شود، آغوش رحمت الهی به روی عاصیان گشوده است.

اما به شرط آنکه این «بازگشت»، ندامت واقعی و عزم استوار باشد! چیزی که در فرهنگ دینی از آن به «توبه نصوح» یاد می‌شود.

حقیقت توبه

توبه «لفظ» نیست، بلکه «عمل» است. «قول» نیست، بلکه « فعل» است.

وقتی کسی به زشتی گناه آگاه می‌شود و از خطاها گذشته پشیمان می‌گردد و تصمیم بر عدم تکرار آن می‌گیرد و در جبران و تدارک ضایعات گذشته می‌کوشد، اینجا یک توبه واقعی تحقق یافته است. اگر در روایات، توبه همان پشیمانی دانسته شده، از آنجاست که ندامت، به عمل می‌انجامد.

تا کسی «پشیمان» نشود، تصمیم بر «ترک گناه» نمی‌گیرد و تا حالت «ندامت» برای گناهکار حاصل نشود، تصمیم جدی برای اصلاح خویش و جبران گذشته نخواهد داشت. پس ندامت، یک عنصر اساسی در تحقق توبه است، پوزش خواهی و استغفار، مرحله‌ای از آن است و جبران گذشته، مرحله‌ای دیگر.

در آیات قرآن، معمولاً توبه همراه با اصلاح، عمل صالح، تبیین و... بیان شده است، مثل آیه «وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا...»^۱، یا آیه «إِلَّا الَّذِينَ

تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا...).^۱

در نهج البلاغه، برای توبه مراتب ششگانه بیان شده که حقیقت توبه را نشان می‌دهد. کسی در حضور امیرالمؤمنین علی‌الله^ع گفت: «استغفر الله».

حضرت برآشت و به او فرمود:

«می‌دانی استغفار چیست؟ استغفار، درجه انسانهای والاست، کلمه‌ای است که بر شش معنی و مرتبه گفته می‌شود: ۱- پشمیمانی از گذشته؛ ۲- تصمیم بر ترک گناه برای همیشه؛ ۳- پرداخت حقوق مردم و حلالیت خواستن از آنان؛ ۴- پرداختن به انجام واجبات الهی که فوت شده است؛ ۵- گوشتی را که از حرام بر بدنت رشد کرده، ذوب کنی تا گوشت تازه بروید؛ ۶- چشاندن سختی طاعت به جسم، همان‌گونه که لذت گناه را چشیده است، در آن هنگام بگویی: «استغفر الله».^۲

این کلام علوی نشان می‌دهد که توبه و استغفار، صرفاً امری زبانی و ظاهري نیست و حتی تنها نفی هم نیست، بلکه اثبات هم هست. تنها دست کشیدن از کار بد نیست، بلکه جنبه اثباتی و کارهای جبرانی هم دارد. باید با «حسنات»، گناهان را پوشاند و با پرداخت حقوق مالی دیگران و ادائی واجبات الهی و جبران حق تضییع شده مردم و اهانتها و غیبتها و افتراهها، زمینه آمرزش الهی را فراهم ساخت.

به هر حال، شرط نخست و گام اول آن است که انسان به حدی از خودآگاهی و بصیرت و بیداری دست یابد که از زشتی عمل خود به مرحله ندامت برسد. اگر در دل پشمیمانی حاصل نشود و همچنان

۱ - بقره، ۲ / ۱۶۰.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷.

علاقة به گناه و اراده معصیت باشد، توبه ظاهری و استغفار زبانی دردی را دوا نمی‌کند و بار انسان را سبک نمی‌سازد. در احادیث است:

«کسی که استغفار می‌کند، اما در دل تصمیم بر گناه دارد، همچون کسی است که استغفار را به مسخره گرفته است.»
خوابها در پرده دارد دیده بیدار ما

از تهِ دل نیست در میخانه استغفار ما
سبحه بر کف، توبه بر لب، دل پر از ذوق گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما

توبه و جبران

گناه، هم دل را تیره می‌کند، هم بار را سنگین می‌سازد، هم حرکت در مسیر کمال و پرواز در فضای معنویت را گند می‌کند. با توبه، دل روشنایی خود را باز می‌یابد، بار سنگین گناهان از دوش بر زمین می‌افتد و موانع پرواز بر طرف می‌شود. مثل پرنده‌ای که در آب افتاده و امکان پروازش نیست، باید بال و پرش خشک شود تا بتواند دوباره پرواز کند.

توبه، گشودن قید و بندهای سنگین از پای بندگی است، تا بتوان راه را ادامه داد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا خَيْرٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلٍ أَذَنَّ بِذُنُوبَهُ فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالْتَّوْبَةِ، وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ»^۱.

در دنیا خیری نیست مگر برای دو نفر: یکی آنکه گناهانی مرتکب شده، آن را با توبه جبران می‌کند، دیگری آنکه در نیکیها پیشقدم و کوشاست.

توبه، فرصتی برای جبران است و اگر کسی از این مهلت و فرصت بهره نگیرد، کوتاهی از خود اوست، چون راه برای تدارک باز بوده و

خدا هم برای آن دعوتنامه فرستاده است و هیچ کس را هم از ورود به قلمرو توبه باز نداشته است.

در کلام دیگری از آن حضرت چنین می خوانیم:

«اگر بد کرده باشی، خداوند تو را از توبه منع نمی کند و فوری به کیفر نمی رساند و اگر برگردی، سرزنشت نمی کند و آنجا هم که شایسته رسوا شدنی رسایت نمی کند و در پذیرش توبه ات سختگیری نمی کند و از رحمت ناامید نمی سازد. در توبه و عذرخواهی را به روی تو بازگذاشته است.»^۱

در کلام دیگری فرموده است:

«ما أَهْمَنَّيْ ذَنْبَ أُمْهِلْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أَصْلَى رَكْعَتَيْنِ وَأَسَأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ». ^۲

گناهی که پس از آن، به اندازه‌ای مهلت داشته باشم که دورکعت نماز بخوانم و از خداوند، عافیت بطلبم، مرا اندوهگین نمی سازد و برایم مهم نیست.

معنای این سخن آن است که مهلت توبه و آمرزش خواهی از خدا، زمینه زدودن آثار گناه و پاک کردن پرونده عمل از تباہی و سیاهی و رها شدن از پیامدهای معصیت است و دریغ که از این فرصت، بهره برده نشود تا زمان بگذرد و درها بسته گردد!

خوشابه حال آنان که از «مهلت جبران» استفاده می کنند. حضرت

علی علیله در بخشی از نامه اش به عثمان بن حنفی فرماید:

«خوشابه حال آنان که شبها برای عبادت از بسترها فاصله می گیرند، لبایشان به ذکر پروردگارشان گویاست و گناهانشان با استغفارهای

۱ - نهج البلاغه، نامه ۳۱ «لَمْ يَمْنَعْكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ وَلَمْ يُعَاجِلْكَ بِالنَّقْمَةِ ...».

۲ - همان، حکمت ۲۹۹

طولاً نی شان زدوده می شود: «وَهُمْ مَهْمَتْ بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شِفَا هُمْ وَتَقْسِعُتْ بِطُولِ اسْتِغْفارِهِمْ ذُنُوبُهُمْ»^۱.

گاهی تأمل در سرگذشت پیشینیان و عبرت از سرنوشت شوم و تlux اهل معصیت، درسی برای زندگی و راهی برای جبران گذشته است، تا انسان در کام هوسها و آرزوهای دور و دراز نماند و از گذشته دیگران عبرتی برای آینده خویش بگیرد و با چراغی روش، راه باقیمانده را طی کند.

امیر مؤمنان علیهم السلام در این زمینه می فرماید:

«آیا ندیدید آنان را که آرزوهای دراز داشتند، کاخ می ساختند و ثروت می اندوختند، چگونه خانه هاشان تبدیل به گور شد و آنچه جمع کرده بودند تباہ گشت و ثروتها یشان به وارثان رسید و همسرانشان به همسری دیگران درآمدند، نه در حسنات می افزودند و نه از بدیها توبه می کردند!»^۲.

و می فرماید:

«آنان که پیش از شما بودند، به سبب آرزوهای دراز و غفلت از اجل هلاک شدند، تا آنکه مرگشان رسید، مرگی که با فرا رسیدنش نه عذری پذیرفته است و نه توبه‌ای مقبول!»^۳.

تا نفس می آید و عمر باقی است و فرصت انتخاب از دست نرفته، باید کوتاهیها و بیراهه رفتهای گذشته را جبران کرد.

۱ - نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲ - همان، خطبه ۱۳۲ «أَمَّا رَأَيْتُمُ الَّذِينَ يَأْمُلُونَ بَعِيدًا وَيَبْتُونَ مَتِيدًا...».

۳ - همان، خطبه ۱۴۷ «إِنَّمَا حَلَّكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ أَمَالِهِمْ...».

آثار گناه، آثار توبه

خداؤند، نظام هستی را برابر پایه تأثیر و تأثر و علل و اسباب قرار داده است. همچنان که برخی غذاها و نوشیدنیها برای بدن و سلامتی زیانبار است و برخی مداواها و پرهیزها سلامتی و بهبود جسمی به دنبال دارد، برخی رفتارها و اعمال هم اثرات مخرب بر روح و روان و شخصیت و اخلاق و زندگی فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد، اعمالی هم هست که نقش اصلاحی و بهسازی دارد. یعنی روح و روان و اخلاق هم در چهارچوب یک سری از علل و اسباب، دچار تغییر می‌شود. گناه و توبه از این قبیل است.

گناه، دل را تیره و پرونده عمل را سیاه و انسان را بدبخت و جهنمی می‌سازد. توبه، نورانیت و سعادت و بهشت می‌آورد. آن خراب می‌کند و این می‌سازد، آن نعمتها را می‌گیرد و این نعمت را تداوم می‌بخشد. آن موجب خشم خداست و این وسیله رضای پروردگار.

حضرت علی ظلّه می‌فرماید:

«هرگز قومی در وضع خوب و زندگی مرفه و نعمت سرشار نبودند که نعمتها از آنان گرفته شود، مگر به خاطر گناهانی که مرتکب شدند، چرا که خدا به بندگان ستم نمی‌کند. اگر آنگاه که عذاب و کیفر الهی بر مردم

فروند می‌آید و نعمتها از ایشان گرفته می‌شود، صادقانه، با تیّهای درست و دلهای مشتاق به درگاه خدا ایشان روی آورند، باز هم خداوند، نعمتهای از دست رفته را به آنان بازمی‌گردداند.»^۱

پس گناه، سلب نعمت می‌کند و توبه دوباره آن را برقرار می‌سازد. گاهی هشدارهای الهی برای بیدار کردن انسان از راه پیشامدهای ناگوار است، تا رمز و راز بدبختی و بلا را بفهمد و به راه راست آید و توبه و اصلاح کند. امیر مؤمنان در این باره می‌فرماید:

«خداوند بندگانش را هنگام ارتکاب کارهای بد، با کاهش ثمرات و زوال برکات و بسته شدن در گنجینه‌های خیر امتحان می‌کند، باشد که توبه کننده‌ای باز گردد و خطاكاري دست از گناه بکشد و پندآموزی عبرت بگیرد. خداوند، استغفار را وسیله سرشار شدن روزی و مایه رحمت به خلق قرار داده و فرموده است: استغفار کنید که خدا آمرزنده است، تا آسمان را بر شما بیاراند و با اموال و فرزندان و باغها و نهرهای جاری، شما را امداد و یاری کند. پس رحمت خدا بر کسی که روی به توبه آورد و از خطایش معدتر بخواهد».^۲

بهره‌گیری از توبه، قرار گرفتن در چرخه رحمت الهی و بهره‌مندی از برکات آن است. چرا نباید از آن بهره گرفت؟ به تعبیر حضرت امیر طیلّا:

«در روی زمین دو امان وجود داشت که جلوی عذاب فراگیر الهی را نسبت به مردم گنهکار می‌گرفت: یکی وجود مبارک پیامبر خدا ﷺ و دیگری استغفار. آن امان که برداشته شد، پیامبر رحمت بود که از میان شما به جوار خدا رفت، اما امان باقی مانده، «استغفار» است، پس به آن

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸ «مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عَصْرٍ نَعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ...».

۲ - همان، خطبه ۱۴۳ «إِنَّ اللَّهَ يَتَلَى عِبَادَهُ عِنَّ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَصْصِ الشَّمَرَاتِ وَ حَسِيرِ الْبَرَكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوْبَ تَائِبٌ وَ يُقْلِعَ مُقْلِعٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكَّرٌ...».

چنگ زنید و از آن بهره مند شوید. خداوند فرمود: ای پیامبر، تا تو در میان این امّتی خداوند عذابشان نمی‌کند و تا استغفار و توبه می‌کنند، خداوند عذابشان نمی‌کند.^۱

البته مقصود، عذاب عمومی و نابود‌کننده در دنیاست که در امّتهاي گذشته سابقه داشته و به خاطر عملکرد رشت و گناهانشان عذابهاي چون صاعقه آسماني، سيل، زلزله و طوفان می‌آمد و همه را از بين می‌برد و قرآن نمونه‌های متعددی از آنها را نقل کرده است.

پس نه از پیامدهای گناه که دامنگیر بشر می‌شود باید غفلت داشت و نه از آثار ترمیمی و اصلاحی و جبرانی توبه باید ناامید بود. حوادث طبیعی و بلاهای ناگهانی همیشه خشم طبیعت نیست، بلکه گاهی هشدار الهی و تازیانه تنبیه خداوند است. در قرآن می‌خوانیم:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبُوا أَيَّدِي النَّاسِ لِيُذَقَّهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲.

«فساد، در خشکی و دریا (در همه جا) آشکار شده، به خاطر عملکرد انسانها، تا کیفر بخشی از کارهایشان را به آنان بچشاند، بلکه برگردند». متأسفانه امروز در هنگام وقوع زلزله، سیل و حوادث بزرگ و ویرانگر، بیشتر نگاهها مادی و سطحی است و صحبت از محکم‌سازی ساختمانها و احداث سد و سیل‌بند و پیشگیری‌های فیزیکی است، که البته در جای خود درست است و لازم، ولی نباید غافل بود که زمین و آسمان و دریا و باد و هوا همه به فرمان خدايند و

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۸۸ «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانًا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمْ فَلَوْنَكُمُ الْآخَرَ فَتَمَكَّنُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمَّا الْأَمَانُ الْباقِي فَالاستغفار...».

۲ - روم، ۴۱/۳۰.

از خود اراده‌ای ندارند و گاهی حکمت الهی ایجاب می‌کند که با بلایای طبیعی انسانها را متوجه اشتباهاتشان کند، بلکه به مسیر فطرت و راه خدا برگردند و از عصیان و طغیان دست بردارند.

در دعای کمیل که از سخنان حضرت علی علیہ السلام است، توبه واستغفار به درگاه خداوند از گناهانی است که بلا نازل می‌کند، نعمتها را دگرگون می‌سازد، مانع استجابت دعا می‌شود، پرده‌ها را می‌درد و انتقام الهی را در پی دارد.^۱

توبه می‌تواند از این‌گونه عواقب و فرجامهای تلخ جلوگیری کند.

۱ - «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ إِلَيَّ...».

چرا تأخیر؟...

جوان توبه کار، نزد خداوند عزیز است. توبه هم تنها برای سالخوردگانی که آفتاب عمرشان لب بام است نیست. تأخیر انداختن توبه آفاتی دارد. گاهی غفلت، توبه را از یاد انسان می‌برد. گاهی مرگ ناگهانی مجالی برای توبه نمی‌گذارد. گاهی افزایش گناهان و سنگین شدن بار معصیت، توبه را برای گنهکار، «نشدنی» می‌سازد. تضمینی هم نیست که به پیری برسیم و آنگاه توبه کنیم.

چندگویی که به پیری رسّم و توبه کنم؟

چه کنی گر به جوانی به تحد^۱ دزمانی؟

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُوا الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَيُرْجِي التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمْلِ».^۲

«از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوارند و با آرزوهای دور و دراز، توبه را به تأخیر می‌اندازند».

اگر در سلامتی، نشاط، هشیاری و فراغت به فکر توبه نباشیم و اگر افزایش گناهان، غفلت و فرو رفتن در باتلاق گناه، سیه دلی و قساوت

۱ - گور.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

قلب سبب شود انسان توفیق بازگشت نیابد و فرصت توبه از دست برود، حسرتهاي بعدی قابل جبران نیست.

به فرموده حضرت علی علیہ السلام با آمدن مرگ، توبه برداشته می شود و در توبه بسته می شود. می فرماید:^۱

«عمل کنید! هم اکنون نشانه‌ها برپاست و راه، شما را به سرای اینمی فرا می خواند و اکنون مهلت و فرصت و فراغت دارید، پرونده اعمال هنوز گشوده است و قلمها جاری، بدنه‌ها تندرست است وزیانها باز، و توبه هم مورد پذیرش است و عملها مقبول!...».

این سخن هشدار است براینکه ممکن است روزی بر سر که نه توانایی کار نیک و ترک گناه را داشته باشد و نه حتی زیانتان به استغفار بچرخد و پرونده هم بسته شده باشد و توبه را نپذیرند. پس، چرا تأخیر؟

در جای دیگر فرموده است:

«ای بندگان خدا، هم اکنون که طناب مرگ بر گردنهاي شما محکم نشده و روحتان آزاد و بدنه‌ها در آسایش است، هنوز که فرصت باقی است و مهلت توبه برجاست و راه بازگشت باز است، برگردید و توبه کنید، پیش از آنکه راه نفس تنگ شود و آن مرگ فرا رسد و شما در چنگ خدای مقتدر گرفتار آیید...».^۲

از کارهای شیطان، آن است که انسان را وسوسه می کند و از توبه باز می دارد، تا وقت بگذرد و آدمی جهنّمی شود. اگر کسی توفیق توبه

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۹۴ «إِعْمَلُوا رَحْمَكُمُ اللَّهُ عَلَى أَعْلَامٍ بَيْتَنِي ...».

۲ - همان، خطبه ۸۳ «الآنَ عِبَادَ اللَّهِ وَالْخَنَافِقُ مُهْمَلٌ ...».

نیابد، برای ابد حسرت خواهد خورد و در آتش ندامت و آتش دوزخ
خواهد سوخت که چرا توبه نکردم؟ چرا برنگشتم؟ چرا دیر متوجه
شدم؟

بابا طاهر گوید:

جهان با این فراخی تنگت آید
مکن کاری که بر پا سنگت آید
تو را از نامه خواندن ننگت آید
چو روزی نامه خوانان نامه خوانند

حضرت امیر علی^{علیہ السلام} می فرمود:
«أَفَلَا تَأْبُتُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ مَنِّيَّتِهِ؟»^۱

«آیا کسی نیست که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟»

سوگندی که شیطان برای فریب آدم خورده است، در قالبهای
گوناگون بروز می کند. دلبستگیها، آرزوها، آمال خیالی، از راه به در
کردنها و فریبکاریهای اقتصادی از آن جمله است.^۲ شیطان مؤمن را در
آرزو و امید توبه نگه می دارد تا آن را عملی نسازد و وقت بگذرد. هم
گناه را در نظرش خوب جلوه می دهد، هم او را از توبه باز می دارد.
حضرت علی علی^{علیہ السلام} به این نیرنگ شیطانی اشاره دارد، آنجاکه
می فرماید:

«وَالسَّيْطَانُ مُوَكَّلٌ بِهِ، يُرِيْئِنُ لَهُ الْمَعْصِيَةَ لِيَرْكَبُهَا، وَيُمْنِيَهُ التَّوْبَةَ لِيُسُوْفَهَا»^۳.
«شیطان بر انسان گماشته شده است، گناه را در نظرش می آراید تا آن را
مرتکب شود و او را به امید توبه نگه می دارد تا توبه را به تأخیر اندازد».
واژه «تسویف» که در این سخن به کار رفته، یعنی «سوف گفتن»،
بعداً و اینکه: حالا کو تا مرگ؟ بعداً توبه می کنم و خدا غفار است...»

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

۲ - نساء ۱۱۹/۴ «وَلَا ضَلَّنَّهُمْ وَلَا مُنِيَّهُمْ وَلَا مَرَّنَّهُمْ...».

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

توبه از چه؟

گناهان یا کوچک‌اند یا بزرگ، یا در ارتباط با خدای‌اند و حق‌الله، یا در ارتباط با مردم‌اند و حق‌النّاس، یا امور فکری و اعتقادی‌اند، یا مسائل اخلاقی، یا عبادی‌اند یا اقتصادی، به هر حال، ارتکاب هرگناه و ترک هر واجب، نافرمانی خداوند است و عامل دوری از خدا. باید از همه خطاهای ریز و درشت توبه کرد، تا با حسابی صاف و روشن وارد صحرای محشر شد. اگر با کوله‌باری سنگین از معصیتها از دنیا برویم، هم حسابرسی دشوار و سنگینی در روز قیامت خواهیم داشت و هم با عذاب الهی رو به رو خواهیم شد. توبه می‌تواند جواز عبور ما در قیامت باشد، و گرنه در ایستگاههای بازارسی آخرت، گرفتار خواهیم شد و برای گناهان مورد مؤاخذه قرار خواهیم گرفت.

بابارگنه ز دام جستن نتوان دژبانی حشر را گذشتن نتوان روزی است که بی برگ تردد به بهشت آن سوی پل صراط رفتن نتوان امام علی طیلۀ در نهج البلاغه برخی گناهان را بر می‌شمرد که حتماً باید از آنها توبه کرد، تا در کوله‌بار آخرت ما چیزی از آنها یافت نشود، و گرنه دچار مشکل خواهیم شد. می‌فرماید:

«از حکمهای قطعی خداوند در قرآن که بر پایه آن پاداش می‌دهد و

عقاب می‌کند و راضی می‌شود یا خشم می‌گیرد، این است که: هیچ بنده‌ای را (اعمالش) سودی نمی‌دهد - هر چند تلاش بسیار کند و کار خود را خالص سازد - اگر در حالی از دنیا برود و پروردگارش را ملاقات کند که یکی از این گناهان برگردن او باشد و از آن توبه نکرده باشد: - در عبادت واجب که تکلیف الهی است، برای خدا شریک قرار داده باشد: ۱

- با کشتن انسانی خشم خود را فرونشانده باشد.
 - دیگران را به خاطر کارهایشان عیبجویی کرده باشد.
 - یا با دوری با مردم برخورد داشته باشد.
 - یا با دو زیان (و با سخن چینی) میان مردم رفت و آمد کند.
- اینها را نیک دریاب، که نمونه‌ای برای امثال آن است。۱

یعنی گناهان یاد شده (شرک، قتل، عیبجویی، دوری، نفاق و نمامی) نمونه‌ای از گناهان است که عوارض سوء دارد و باید از آنها توبه کرد و بدون توبه، پرونده محکمه انسان در روز حساب سنگین خواهد بود.

ظلم در حق دیگران یا در حق خود نیز از گناهانی است که حضرت علی علیه السلام توبه از آنها را لازم می‌شمرد و همچنین شرک را به عنوان ظلمی معرفی می‌کند که آمرزیده نمی‌شود: «فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشُّرُكُ بِاللَّهِ».

و آن ظلم که به خاطر آن انسان را رها نمی‌کند و مورد بازنخواست قرار می‌گیرد، ستمی است که مردم به یکدیگر کرده‌اند: «وَأَمَّا الظُّلْمُ

۱ - نهج البلاغه. خطبه ۱۵۲ «إِنَّ مِنْ عَذَائِمِ اللَّهِ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ، الَّتِي عَلَيْهَا يُثْبِبُ وَيُعَاقِبُ...».

الَّذِي لَا يُتَرَكُ فَظْلُمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا^۱ و می فرماید: قصاص و کیفر در این مورد بسیار سخت و دشوار است و تقاض و مؤاخذه در قیامت در مورد ظلمهایی که به مردم شده، مثل جراحت چاقو یا ضربت شلاق نیست، بلکه بسیار سخت تر از اینهاست. در ادامه سخن، افراد را بر حذر می دارد از اینکه به عیبجویی از دیگران بپردازند و تفرقه ایجاد کنند و رنگ به رنگ شوند و توصیه می فرماید:

«خوشابه حال آنکه عیبهای خودش اورا از عیبجویی دیگران بازدارد، خوشابه حال آنکه در خانه اش بنشیند و روزی خود را بخورد و به طاعت پروردگارش مشغول باشد و برگناهان خودش گریه کند». نباید هیچ گناهی را کوچک شمرد و گفت: کاش گناه من همین بود، که خود این گناهی بزرگ است و سبک شمردن عظمت خدا و قداست فرمانهای اوست. امام علی علیه السلام فرمود:

«لَا يَزُجُونَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخافَنَ إِلَّا ذَنَبَهُ»^۲.

«هیچ یک از شما، جز به پروردگارش امیدوار نباشد و جز از گناهش نترسد!»

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲ - همان، حکمت ۸۲.

موانع توبه

قرار گرفتن سر دو راهی «عقل و نفس» و تصمیم بر حرکت بر مدار عقل و پاگذاشتن روی خواسته های نفس، «اراده» می طلبد.

اگر انسان از فضیحت و رسایی زشتکاریها و گناهانی که در دنیا یا آخرت دامنگیر او می شود، اطلاع کافی داشته باشد و روز قیامت را «روز رسایی بزرگ» برای گنهکاران بداند، راحت تر می تواند برای توبه تصمیم بگیرد و اگر انسان به زودگذر بودن فرصت عمر توجه کند، توبه را به تأخیر نمی اندازد. چند چیز مانع توبه می شود:

۱ - یکی از موانع توبه، «آرزوهای طولانی» است. کسی که تصور می کند تا مدت های زیادی در دنیا خواهد بود و در آینده وقتی مناسب برای توبه خواهد داشت، ناگهان با پایان فرصت رو به رو می شود.

حضرت علی علیه السلام هشدار می دهد که:
«از آنان نباشید که با آمال و آرزوهای دور و دراز، توبه را تأخیر می اندازند». ^۱

۲ - «لذت گناه»، عامل دیگری برای ترک توبه است. اما اگر انسان بداند که لذت های گذرا و موقتی، عذاب های ابدی در پی دارد و هر

۱ - نهیع البالغه، حکمت ۱۵۰ «وَيُرْجِحُ التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمْلِ».

نوشی، نیشی خواهد داشت، از آن لذت شیطانی می‌گذرد و در مسیر طاعت و بندگی گام بر می‌دارد. در نهج البلاغه می‌خوانیم: «شَّانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ: عَمَلٌ تَذَهَّبُ لَذَّتُهُ وَتَبْقَى تَبَعُّثُهُ، وَعَمَلٌ تَذَهَّبُ مَؤْوَنَتُهُ وَيَبْقَى أَجْرُهُ». ^۱

«چقدر فاصله است بین دو کار: کاری که لذتش از بین می‌رود، اما پیامدهای بد آن باقی است، و عملی که رنج و مشقت آن می‌رود، ولی پاداش آن ماندگار است».

آن حضرت می‌فرماید:

«ما مِنْ طَاعَةٍ اللَّهُ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهٍ وَمَا مِنْ مُعْصِيَةٍ اللَّهُ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ، فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَنْزَعَ عَنْ شَهْوَتِهِ وَقَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ». «اطاعت الهی و انجام واجبات برای انسان سخت است، ولی ارتکاب گناه برای او خوشایند و دوست‌داشتنی است، رحمت خدا برکسی که از هوسرانی دست بکشد و هوای نفس خود را سرکوب کند».^۲

۳- ناآگاهی از زشتی گناه، عامل دیگری در ترک یا تأخیر توبه است. فریب شیطان چنان اثر می‌کند که گنهکار، بدی گناه را نمی‌فهمد، بلکه آن را زیبا می‌بیند. آنان که از عوارض سوء و زیانهای جسمی یک خوراکی بی‌اطلاع‌اند، گاهی با حرص و ولعی شگفت‌آور آن را می‌خورند، یا آنکه از ضررها دود سیگار برای بدن بی‌اطلاع است، از سیگار کشیدن لذت هم می‌برد، در حالی که با این کار، تندرستی خود را به باد می‌دهد. زیان گناه بر روح و روان و شخصیت و سعادت

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۱۲۱.

۲ - همان، خطبه ۱۷۶.

انسان نیز چنین است. چه جا هل اند آنان که در منجلاب گناه غرق اند، اما از آن لذت هم می بردند و به فکر نجات خود با توبه نیستند.

۴- عامل دیگر، کوچک شمردن گناه است، وقتی معصیت نسبت به خالق بزرگ صورت می گیرد، کوچک و بزرگ ندارد. اینکه در روایات، کوچک شمردن گناه از گناهان بزرگ به شمار آمده است به همین جهت است که نشان غفلت از عظمت خالق است.

امام علی علیه السلام می فرماید:
«أشدُ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ»^۱.

«شدیدترین گناهان، گناهی است که صاحبین آن را ناچیز شمرد». کسی که یک غدّه خطرناک و مهلك را که کوچک و ناپیداست، دست کم بگیرد به فکر درمان هم نمی افتد و عاقبت هلاک می شود. گناهان، غدّه های روح اند که باید هر چه سریع تر آنها را با جرّاحی درمان کرد، تا سلامتی کلی در معرض خطر قرار نگیرد.

۵- یأس از رحمت الهی و نجات، از عوامل دیگر ترک توبه است. آنان که می پندارند دیگر اصلاح شدنی نیستند، به فکر توبه هم نمی افتد. مثلاً بیمارانی که خود را لاعلاج می دانند و بیماری خود را بی درمان می پندارند، به فکر مداوا نخواهند افتاد. امید به رهایی از چنگ شیطان و گناه و بازیافتن سلامت روحی و سعادت انسانی، زمینه ساز توبه است. آن همه تشویق به توبه و وعده مغفرت و عفو الهی که در متون دینی است، برای زدودن این یأس است.

در سخنی از امیر مؤمنان علیه السلام چنین آمده است:
«مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحَرِّمِ الإِجَابَةَ، وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحَرِّمِ الْقَبُولَ وَمَنْ

أَعْطِيَ الْإِسْتغْفَارَ لَمْ يُحِرِّمِ الْمَغْفِرَةَ»^۱.

«به کسی که دعا داده‌اند، از اجابت محروم نمی‌شود، به کسی که توبه داده‌اند، از پذیرش توبه محروم نمی‌شود، به کسی هم که استغفار داده‌اند، از آمرزش محروم نمی‌گردد».

مگر می‌شود خدا به کسی وعده آمرزش دهد و او را به توبه فرا بخواند، اما وقتی بنده‌ای از گناهانش توبه کرد و پشیمان شد، خدا او را رد کند؟

در سخن دیگری از آن حضرت می‌خوانیم:

«چنین نیست که خدا در شکر را به روی بنده‌ای بازکند ولی در افزایش نعمت را ببندد، یا در دعا را به روی بنده بگشاید، اما در اجابت را ببندد، یا در توبه را به روی بنده بازکند ولی باب آمرزش را به رویش بسته دارد».^۲

۶- عامل دیگر، غرور و سرگرانی و تکبّر است. به هر حال، در توبه پشیمان شدن و ابراز پشیمانی و اظهار نیاز و درماندگی و درخواست عفو و بخشایش و تعهد به ترک گناه است. افراد مغروف، مثل ابلیس که تکبّر ورزید و مطرود شد، به سختی حاضرند این‌گونه فروتنی و خاکساری و اظهار ندامت و طلب عفو از خود نشان دهند. این نیز از دامهای شیطان است تا انسان را در باتلاق گناه نگاه دارد. امام توصیه می‌کند که از سرگذشت دیگران پند بگیرید و به خود آید و به خدا روی آورید:

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵.

۲ - همان، حکمت ۴۳۵ «... وَلَا يَفْتَحْ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَةِ وَيُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَةِ».

«أَذْكُرُوا اِنْقِطَاعَ الَّذِيْاتِ وَبَقَاءَ السَّبِيعَاتِ».^۱

«یادآورید که لذتها تمام می‌شود، اما آثار و عواقب آن باقی می‌ماند!»
به هر حال، با این همه زمینه‌های رحمت و پذیرش و آمرزش و
وعده مغفرت و امیددادن به گنهکارانِ تائب، «گرگداکا هل بود تقصیر
صاحبخانه چیست؟»

حضرت امیر طیلہ می فرماید:

«عَجِبَتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ».^۲

«در شگفتمندی از کسی که مأیوس می‌شود، در حالی که استغفار را همراه
خود دارد!»

افراد با اراده و صاحبان آگاهی و عزم، با غلبه بر این موانع، در راه
بندگی قرار می‌گیرند و شیطان را از تسلط بر خودشان ناکام و محروم
می‌کنند.

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۴۳۳.

۲ - همان، حکمت ۸۷.

راهی آسان تر از توبه

این نکته حکیمانه که «پیشگیری بهتر از درمان است»، در مسائل اخلاقی و تربیتی هم درست است. اگر کسی در نتیجه بی توجهی و ناپرهیزی و عدم مراقبت از سلامتی خود، به بیماری و دردی مبتلا شد، راه حلش مراجعت به پزشک و درمانگاه و مداواست. اما گاهی درمان اثر نمی کند، گاهی معالجه بسیار گران تمام می شود، گاهی پس از بهبود باز هم آثار و عوارض آن برای همیشه یا تا مدتی باقی می ماند.

راه بهتر، مراعات اصول بهداشتی و پیشگیری است، که هم راحت تر است، هم کم خرج تر و هم بدون عارضه.

درست است که خدای مهربان، گناهکاران را در بن بست قرار نداده و دری به نام توبه به رویشان باز کرده و آنان را به توبه فرا خوانده است، ولی آیا همه اهل معصیت، به این آگاهی می رسند که بد کرده اند و باید توبه کنند؟ آیا دعوت یا هشدار الهی، غفلت زدگان گنهکار را بیدار می کند؟ آیا شیطان به این راحتی می گذارد کسی از چنگش فرار کند و دیگر به او سواری ندهد؟ آیا اگر توبه هم کرد، همه آثار آن زدوده می شود؟ اگر توفیق توبه نیابد چه؟

اگر اجل، مهلت توبه ندهد چه کند؟

این است که در مورد گناه نیز پیشگیری بهتر و راحت‌تر از مداواست، یعنی از اول گناه نکردن. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«تَرْكُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ».^۱

«ترک گناه، آسان‌تر از درخواست توبه است».

آنچه این قدرت را به انسان می‌دهد، تسلط بر نفس امّاره و چیره بودن بر هوسها و در اختیار داشتن زمام نفس و کشاندن آن به وادی طاعت الهی است، نه بی‌اختیار در بی خواسته‌های نفس رفتن.

از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام است که ستایش از کسی می‌کند که از خدا می‌ترسد، نفس امّاره خود را الجام می‌زند و اختیار آن را به دست خودش می‌گیرد و چون صحنۀ گناه پیش می‌آید لجام نفس را در دست می‌گیرد و آن را از ورود به منطقه ممنوعه گناه باز می‌دارد و به طرف اطاعت فرمان خدا سوق می‌دهد.^۲

با این‌گونه تدبیر و کنترل نفس، می‌توان از گناه پیشگیری کرد، تا نوبت به توبه نرسد و این بسی آسان‌تر و عملی‌تر است.

۱ - نهج البلاغه. حکمت ۱۷۰ (براساس نهج البلاغه محمد عبده، در نسخه‌های دیگر به جای توبه، معونه آمده است، یعنی یاری جستن برای جبران و امرزش).

۲ - همان، خطبه ۲۳۷ «امْرُوا الْجَمَّ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَزَمَّهَا بِزِمَامِهَا فَأَمْسَكَهَا بِلِجَامِهَا عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَقَادَهَا بِزِمَامِهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ».

راههای دیگر آمرزش گناه

دانستیم که توبه، پیش شرطی چون پشمیمانی از گناه و تصمیم بر ترک آن در آینده دارد، تا نوبت به استغفار زبانی و آمرزش خواهی از خدا برسد و خداوند هم وعده پذیرش توبه و آمرزش گناهان را داده است. در کلمات حضرت علی علیهم السلام، کارهای دیگری نیز بیان شده که موجب مغفرت الهی است و در قلمرو همان «جبران» قرار می‌گیرد که یاد شد. از آن جمله است:

۱ - مواظبت بر انجام نماز. حضرت می فرماید:
«به نماز بپردازید، از آن مواظبت بسیار کنید، زیاد نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا نزدیک شوید. نماز، گناهان را فرومی‌ریزد، مثل ریزش برگها و بند گناهان را از معصیت کار می‌گشاید. پیامبر خدا آن را به نهر آبی تشییه کرده است که در خانه کسی است و روزی پنج بار خود را در آن می‌شوید. آیا ممکن است آلدگی باقی بماند؟»^۱

۲ - ترک گناه. خود دست کشیدن از گناه، توبه و کار نیک محسوب می‌شود و پاداش دارد.
حضرت می فرماید:

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹ «تَعَااهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا...».

روشنای شب شد و رهی به خانه‌ها گشود
 می‌شود هنوز هم، شام تیره‌گناه را
 با دو دست توبه و نیایشی شکست
 می‌توان
 ظلمت‌گناه را زچهرهٔ حیات خویشتن زدود
 می‌توان،
 خوب بود و خوب بود.^۱

امید است که توبه، پای ما را به این وادی بکشاند و در دلها چراغ
 امید به رحمت الهی برافروزد.



بهترین درس‌های زندگی ساز در سخنان پیشوايان معصوم علیهم السلام نهفته است. در اين ميان، کلمات حضرت امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، جلوه و جاذبه خاصی دارد و همواره به عنوان گنجينه‌اي نفيس و سرشار از گهرهای ناب، مورد استفاده فرزانگان و شيفتگان معارف علوی بوده است.

سلسله موضوعات درس‌هایی از نهج البلاغه مارا با اين گنجينه و گهرهایش آشناتر می‌سازد. آنچه می‌خوانید، گلچينی است از بوستان معطر سخنان حضرت علی علیه السلام درباره توبه و بازگشت به فطرت پاک انسانی؛ باشد که چراغ راهمان شود.